

[**فصل فیما یستقبل له** 1](#_Toc504914041)

[***شرطیّت استقبال قبله در نمازهای مستحبّ بالعرض*** 1](#_Toc504914042)

[***شرطیّت استقبال قبله در نماز های احتیاطی*** 2](#_Toc504914043)

[***شرطیّت استقبال قبله در نماز میّت*** 2](#_Toc504914044)

[دلیل خاص 3](#_Toc504914045)

[عموم «لا صلاة إلا إلی القبله» 3](#_Toc504914046)

[مناقشه (عدم صدق حقیقی صلاة بر نماز میّت) 4](#_Toc504914047)

[جواب 4](#_Toc504914048)

[***شرطیّت استقبال قبله در نماز نافله*** 5](#_Toc504914049)

[اشاره به أقوال 5](#_Toc504914050)

[أدله 5](#_Toc504914051)

[دلیل أول (عموم لا صلاة إلا إلی القبله) 5](#_Toc504914052)

[مناقشه أول (اختصاص روایت به فریضه) 6](#_Toc504914053)

[جواب (عدم وجود قرینه بر اختصاص به فریضه) 6](#_Toc504914054)

[مناقشه دوم (مجمل شدن عام بعد از تخصیص به نافله) 7](#_Toc504914055)

[جواب (عدم اجمال عام در مخصص منفصل) 8](#_Toc504914056)

**موضوع**: شرطیّت استقبال قبله در غیر نماز های یومیه /فصل فیما یستقبل له /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**فصل فیما یستقبل له**

***شرطیّت استقبال قبله در نمازهای مستحبّ بالعرض***

**صاحب عروه فرمود:** استقبال قبله در نماز هایی که بالعرض مستحب شده است، شرط است. و مستحب بالعرض در مقابل نوافل است که بالذات مستحب است ولو بالعرض با نذر و مانند آن واجب می شود (و بحثش خواهد آمد).

مثلاً اگرکسی در ابتدای وقت نماز فرادا خواند و بعد نماز جماعت اقامه شد؛ مستحب است که نماز را اعاده کند و ظاهر أدله این است که همان شرایط نماز فریضه را مراعات کند و در خود روایت می گوید: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي الصَّلَاةَ وَحْدَهُ ثُمَّ يَجِدُ جَمَاعَةً- قَالَ يُصَلِّي مَعَهُمْ وَ يَجْعَلُهَا الْفَرِيضَةَ إِنْ شَاءَ[[1]](#footnote-1)» وگرنه چه فرقی است که در این نماز وضو نگیرد یا رو به قبله نباشد و همان طور که «لا صلاة إلا بطهور» می گوید طهارت شرط است، «لا صلاة إلا إلی القبله» نیز می گوید قبله شرط است. و در برخی روایات، ولو ضعیف السند است، چنین تعبیر می کند که: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أُصَلِّي ثُمَّ أَدْخُلُ الْمَسْجِدَ- فَتُقَامُ الصَّلَاةُ وَ قَدْ صَلَّيْتُ- فَقَالَ صَلِّ مَعَهُمْ يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ[[2]](#footnote-2)» که مؤیّد این است که باید نمازی باشد که واجد شرایط باشد تا خدا أحبّ را اختیار کند و برخی مثل مرحوم ایروانی فرموده اند این تعبیر کنایه از این است که خداوند همین دومی را اختیار می کند زیرا نماز جماعت ثواب بیشتری دارد.

***شرطیّت استقبال قبله در نماز های احتیاطی***

**أما شرطیّت استقبال قبله در نمازی که احتیاطی می خوانیم روشن است**؛ زیرا معنای احتیاط این است که می خواهیم یقین به صحت نماز پیدا کنیم و نمازی که به طرف قبله نخوانیم مثل نماز بدون وضو است که با آن احتیاط محقّق نمی شود. به تعبیر دیگر معنای احتیاط این است که شاید در نماز أول وضو نداشته ام و لذا نماز را تکرار می کنم تا امتثال أمر به نماز حاصل شود و اگر نماز احتیاطی بدون وضو باشد یا رو به قبله نباشد امتثال أمر به نماز محقق نمی شود؛ احتیاط در نماز مثل احتیاط واجبی که در جمع بین قصر و تمام وجود دارد و یا احتیاط مستحبی که در تکرار نمازی که با استصحاب طهارت، خوانده است، وجود دارد که اگر رو به قبله نباشد نماز دوم امتثال أمر به نماز نخواهد بود.

استقبال قبله در نماز آیات هم شرط است زیرا «لا صلاة إلا إلی القبله» شاملش می شود.

***شرطیّت استقبال قبله در نماز میّت***

لزوم استقبال قبله در نماز میّت مورد اجماع و تسالم أصحاب است و روایات خاصه هم بر آن دلالت می کند:

### دلیل خاص

1-صحیحه أّبی هاشم جعفری که در رابطه با نماز بر مصلوب است؛مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا ع عَنِ الْمَصْلُوبِ فَقَالَ- أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ جَدِّي ع صَلَّى عَلَى عَمِّهِ- قُلْتُ أَعْلَمُ ذَلِكَ وَ لَكِنِّي لَا أَفْهَمُهُ مُبَيَّناً- فَقَالَ أُبَيِّنُهُ لَكَ إِنْ كَانَ وَجْهُ الْمَصْلُوبِ إِلَى الْقِبْلَةِ- فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْمَنِ- وَ إِنْ كَانَ قَفَاهُ إِلَى الْقِبْلَةِ فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْسَرِ- فَإِنَّ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ قِبْلَةً- وَ إِنْ كَانَ مَنْكِبُهُ الْأَيْسَرُ إِلَى الْقِبْلَةِ- فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْمَنِ- وَ إِنْ كَانَ مَنْكِبُهُ الْأَيْمَنُ إِلَى الْقِبْلَةِ- فَقُمْ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْسَرِ- وَ كَيْفَ كَانَ مُنْحَرِفاً فَلَا تُزَايِلَنَّ مَنَاكِبَهُ- وَ لْيَكُنْ وَجْهُكَ إِلَى مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ- وَ لَا تَسْتَقْبِلْهُ وَ لَا تَسْتَدْبِرْهُ الْبَتَّةَ قَالَ أَبُو هَاشِمٍ- وَ قَدْ فَهِمْتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَهِمْتُهُ وَ اللَّهِ[[3]](#footnote-3)

بله در این صحیحه فرض شده است که چه بسا نمی توان دقیق رو به قبله بایستد زیرا باید موازی مصلوب بایستد و چه بسا مصلوب دقیق رو به قبله نیست و در نتیجه شخص هم که موازی مصلوب قرار می گیرد دقیق رو به قبله قرار نمی گرید. ولی ما بین مشرق و مغرب قبله است و انحراف تا کمتر از نود درجه اشکال ندارد.

2-صحیحه حلبی: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يُصَلَّى عَلَيْهِمَا- قَالَ يَكُونُ الرَّجُلُ بَيْنَ يَدَيِ الْمَرْأَةِ مِمَّا يَلِي الْقِبْلَةَ- فَيَكُونُ رَأْسُ الْمَرْأَةِ عِنْدَ وَرِكَيِ الرَّجُلِ مِمَّا يَلِي يَسَارَهُ- وَ يَكُونُ رَأْسُهَا أَيْضاً مِمَّا يَلِي يَسَارَ الْإِمَامِ- وَ رَأْسُ الرَّجُلِ مِمَّا يَلِي يَمِينَ الْإِمَامِ.

نماز میّت ممکن است انفرادی نباشد یعنی ممکن است چند میّت را جلوی مصلّی قرار دهند و یک نماز بخوانند که اشکالی ندارد و خلاف قواعد نیست. و لکن اگر میّت یک مرد و یک زن باشد روایت بالا کیفیّت نماز خواندن مصلّی بر این دو را بیان می کند: در روایت تعبیر می کند که مرد جلوتر از زن قرار داده شود مما یلی القبله و ظاهر تعبیر به «مما یلی القبله» این است که به سمت قبله باشد و نشان می دهد که استقبال قبله شرط است و امام علیه السلام در بیان کیفیّت نماز بر این دو، استقبال قبله را نیز متذکّر شده اند.

### عموم «لا صلاة إلا إلی القبله»

به نظر ما غیر از این دلیل های خاص می توان به عموم «لا صلاة إلا إلی القبله» استدلال کرد زیرا نماز میّت هم صلاة است.

#### مناقشه (عدم صدق حقیقی صلاة بر نماز میّت)

**مرحوم خویی و نیز آقای سیستانی فرموده است**: به نماز میّت مسامحةً نماز گفته می شود و در روایات داریم که نماز میّت دعاء است و نماز رکوع و سجود دار، نیست؛

در معتبره یونس بن یعقوب چنین آمده است؛ «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْجِنَازَةِ أَ يُصَلَّى عَلَيْهَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّمَا هُوَ تَكْبِيرٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ كَمَا تُكَبِّرُ وَ تُسَبِّحُ فِي بَيْتِكَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ.»[[4]](#footnote-4)

یا در صحیحه محمد بن مسلم چنین آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يُصَلَّى عَلَى الْجِنَازَةِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ- إِنَّهَا لَيْسَتْ بِصَلَاةِ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ- وَ إِنَّمَا تُكْرَهُ الصَّلَاةُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا- الَّتِي فِيهَا الْخُشُوعُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ- لِأَنَّهَا تَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ- وَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ.»[[5]](#footnote-5)

##### جواب

**در جواب می گوییم**: در ارتکاز متشرّعی نماز میّت، نماز است و در فارسی هم تعبیر به «نماز میّت» داریم و در روایت نیز تعبیر به «صلاة المیّت» ذکر شده است: «وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ وَ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى «5» عَشَرَةِ أَوْجُهٍ- صَلَاةِ السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَ صَلَاةِ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ- وَ صَلَاةِ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ وَ صَلَاةِ الِاسْتِسْقَاءِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ.[[6]](#footnote-6)»

و این دو روایتی که ذکر شد نمی خواهد بگوید نماز میّت، نماز نیست بلکه در مقام بیان این مطلب است که نماز میّت، نماز مشتمل بر رکوع و سجود نیست یعنی لیست بصلاة ذات رکوع و سجود، و در صحیحه محمد بن مسلم هم به این نکته تصریح کرد و تعبیر کرد «إنها لیست بصلاة رکوع و سجود» و تعبیر به «إنها لیس بصلاة» نکرد.

لذا «لا صلاة إلا إلی القبله» شامل نماز میّت می شود و اطلاق دارد. و این که در نماز میّت طهارت شرط نیست دلیل خاص داریم (و «لا صلاة إلّا بطهور» نسبت به نماز میّت تخصیص خورده است و لذا موضوع روایت نمازی می شود که ذات رکوع و سجود است و ابای از تخصیص ندارد.)

***شرطیّت استقبال قبله در نماز نافله***

صاحب عروه در ادامه فرموده اند: و يشترط في صلاة النافلة في حال الاستقرار لا في حال المشي أو الركوب

استقبال قبله در نماز نافله در حال مشی و رکوب شرط نیست. أما در نماز نافله در حال استقرار، اختلاف است که استقبال قبله شرط است یا شرط نیست؛

### اشاره به أقوال

**در ذکری فرموده اند**: جماعت زیادی از قدماء و متأخّرین گفته اند استقبال قبله در نافله مطلقاً شرط نیست و خود ایشان هم فرموده این مطلب درست است. و اطلاق محقق حلی در شرایع هم این است که استقبال قبله در نافله شرط نیست. محقق همدانی در شرح عبارت محقق حلی در شرایع فرموده است: ظاهر متن شرایع این است که استقبال قبله حتّی در نافله در حال استقرار شرط نیست ولی منسوب به مشهور این است که استقبال قبله شرط است بعد می فرماید نظر ما هم این است که استقبال قبله ولو در حال استقرار شرط نیست.

### أدله

ما ابتدا أدله شرطیّت استقبال قبله در نافله در حال استقرار را بررسی می کنیم بعد ببینیم آیا مخصّص یا معارضی دارد یا نه؟

### دلیل أول (عموم لا صلاة إلا إلی القبله)

**صحیحه زراره**: وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ إِلَّا إِلَى الْقِبْلَةِ- قَالَ قُلْتُ: أَيْنَ حَدُّ الْقِبْلَةِ- قَالَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ قِبْلَةٌ كُلُّهُ- قَالَ قُلْتُ: فَمَنْ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ- أَوْ فِي يَوْمِ غَيْمٍ فِي غَيْرِ الْوَقْتِ قَالَ يُعِيدُ.[[7]](#footnote-7)

**تقریب استدلال:** « لا صلاة إلا إلی القبله» اطلاق دارد و شامل نافله هم می شود منتها مخصّص، نماز نافله در حال مشی و رکوب را از این عموم خارج کرده است ولی نماز نافله در حال استقرار را خارج نکرده است.

**دو اشکال به این استدلال شده است؛**

#### مناقشه أول (اختصاص روایت به فریضه)

**اشکال أول این است که**: در ذیل روایت دو قرینه داریم که مانع از اطلاق صدر روایت است:

**قرینه أول تعبیر به «یعید» است زیرا**؛ در نافله أمر به اعاده نداریم و أصل نافله مستحب است. بله اگر تعبیر به «بطلت صلاته» می کرد شامل نافله هم می شد ولی این که «کسی که نماز را به غیر قبله خوانده است، باید اعاده کند» انصراف به فریضه دارد و در نافله «باید اعاده کند» ندارد.

**قرینه دوم تعبیر به «فی غیر الوقت» است که**؛ مربوط به فرائض است زیرا نوافل عادةً وقت ندارند.

##### جواب (عدم وجود قرینه بر اختصاص به فریضه)

**هر دو قرینه ناتمام است؛**

**أما قرینه أول ناتمام است زیرا**:

أولاً: «یعید» ظاهر در ارشاد به بطلان دارد، و در وجوب نفسی اعاده ظهور ندارد. مثل «علیه أن یغسل کل ما أصابه ذلک الماء» که ارشاد به نجاست ملاقی آب نجس است و لازم نیست اگر وسیله ای نجس می شود، شسته شود.

ثانیاً: و بر فرض ظهور «یعید» در وجوب نفسی اعاده باشد: در روایت سه جمله وجود دارد و در ابتدا می گوید«لا صلاة إلا إلی القبله» و بعد زراره سؤال می کند و حضرت جواب می دهد و بعد زراره دوباره سؤال می کند و حضرت جواب می دهد: اگر جمله سوم مربوط به فریضه شود و انصراف به فریضه داشته باشد دلیل نمی شود که جمله أول یعنی «لا صلاة إلا إلی القبله» مربوط به فریضه باشد زیرا در ذیل، زراره ادامه داد و حضرت مطالب جدید را مطرح کرد و اگر زراره ادامه نمی داد و همین جمله تنها مطرح شده بود آیا اطلاق نداشت؟ اگر مطالب جدید منصرف به فریضه باشد چه ربطی به مطالب أول دارد؟

**أما قرینه دوم ناتمام است زیرا**؛ نوافل مرتّبه نیز وقت دارند. علاوه بر این که اگر جمله أخیره منصرف به فرائض باشد دلیل نمی شود که صدر این صحیحه را تقیید بزنیم. و لذا اطلاق «لا صلاة إلا إلی القبله» محکّم است.

مناقشه دوم

#### مناقشه دوم (مجمل شدن عام بعد از تخصیص به نافله)

**اشکال دوم در استدلال به روایت بر شرطیّت استقبال قبله در نافله در حال استقرار، مناقشه ای است که محقق همدانی مطرح کرده است**؛

وقتی دلیل تجویز کرد که در حال مشی نافله را به غیر قبله بخوانیم از « لا صلاة إلا إلی القبله» یک فرد یعنی نافله خارج می شود و فرد دیگر یعنی فریضه تحت آن باقی ماند؛ نمی دانیم مخصّص، فرد دوم را مطلقاً خارج کرد یا در خصوص حال حرکت خارج کرد؛ دیگر عمومی نداریم تا نسبت به نافله در حال استقرار به آن تمسّک کنیم زیرا فرد نافله از عموم خارج شده است و لذا دیگر دلیل نداریم این فرد در حال استقرار شرطیّت قبله را دارد.

به دو نحو می توان « لا صلاة إلا إلی القبله» را تقیید زد: « لا صلاة فی حال الاستقرار إلا إلی القبله» و « لا صلاة فریضة إلا إلی القبله»، علم اجمالی داریم که « لا صلاة إلا إلی القبله» یکی از دو تقیید را خورده است و دلیل نداریم که تقیید دوم را مقدّم کنیم نه قرینه خارجیه داریم که خواهد آمد و نه قرینه داخلیه (مثل لفظ یعید و فی غیر الوقت) داریم.

**ایشان اشکالی وارد کرده است که:**

اگر یک فرد در بعض أحوال از عموم عام خارج شد چه وجهی دارد که نتوانیم در غیر آن حالت به عام رجوع کنیم مثلاً «اکرم کل عالم» و می دانیم زید در روز جمعه واجب الاکرام نیست که وجهی ندارد وجوب اکرام زید عالم را در روز های دیگر رها کنیم، و در غیر روز جمعه به عموم «اکرم کل عالم» تمسّک می کنیم. در اینجا هم نسبت به نافله در حال مشی، یقین به تخصیص «لا صلاة إلا إلی القبله» داریم و لذا نسبت به نافله در حال استقرار می توانیم به عموم «لا صلاة إلا إلی القبله» تمسّک کنیم.

**مرحوم محقق همدانی در جواب از این اشکال می فرماید:**

در مثال «اکرم کل عالم» دو دالّ داریم و با مقام فرق می کند؛ در اکرم کل عالم دو دالّ داریم عموم افرادی و اطلاق احوالی: عموم افرادی اقتضای وجوب اکرام زید فی الجمله می کند و اطلاق احوالی اقتضای وجوب اکرام زید به طور مطلق می کند؛ لذا بعد از این که از اطلاق احوالی «اکرم کل عالم» دست برداشتیم، عموم افرادی باقی می ماند.

ولی در ما نحن فیه عموم احوالی و افرادی ناشی از یک دال است و لای نافیه بر نکره آمده است «لا صلاة إلا إلی القبله» یعنی «لا فرد من الصلاة إلّا إلی القبله» و این یک دالّ بر عموم افرادی و احوالی دلالت می کند و لذا وقتی از کار بیفتد دیگر دلیل نداریم که بتوانیم به عموم رجوع کنیم.

**ایشان اشکال دیگری را نیز مطرح کرده اند که:**

«لا صلاة إلا إلی القبله» نفی جنس می کند و با نفی نکرده تفاوت دارد: نفی نکرده یعنی «لا فرد من الصلاة» و اگر این معنا مراد باشد اشکال وارد است که عموم افرادی و اطلاق احوالی دالّ واحد دارد ولی ظاهر «لا صلاة إلا إلی القبله» نفی جنس است یعنی در هنگام انتفای استقبال قبله، ماهیّت نماز منتفی است که در این صورت مثل «اکرم کل عالم»، یا «لیس أیّ فاسق بواجب الاکرام» می شود که اگر بدانیم زید فاسق در روز جمعه واجب الاکرام است نسبت به روزهای دیگر به «لیس أیّ فاسق بواجب الاکرام» تمسّک می کنیم چون عموم سریانی دارد. و لیس أی فاسق بواجب الاکرام با لیس فاسق بواجب الاکرام فرق نمی کند.

**مرحوم محقق همدانی در جواب فرموده اند:**

این استظهار را قبول نداریم و مدخول لا در «لا صلاة إلا إلی القبله» نکره است لذا دالّ واحد است و این دالّ واحد یقیناً تقیید خورد و مقیّد آن را نمی دانم و لذا جای تمسّک به این خطاب نیست.

##### جواب (عدم اجمال عام در مخصص منفصل)

**این فرمایش محقق همدانی عجیب است؛**

**أولاً**: نافله در حال مشی یک فرد و نافله در حال استقرار فرد دیگری از نماز است و لازم نیست که دو فرد در عنوان قصدی با هم تفاوت کنند و لذا به عموم افرادی می توان تمسّک کرد.

**ثانیاً:** فرق این که «لا صلاة إلا إلی القبله» نفی جنس باشد یا نفی نکرده باشد را نمی فهمیم و اگر مولا تصریح هم کند که لا فرد من الصلاة إلا إلی القبله» عرف می گوید این دلیل از دو حیث اطلاق دارد هم از حیث نافله بودن نماز و فریضه بودن آن، و هم از حیث استقرار و عدم استقرار در نماز، و دلیل خاص، نافله ی در حال حرکت را خارج کرد؛ که عقلاء می گویند نافله در حال سیر قدر متیقّن از خروج یک فرد است و در ما عدای آن نماز نافله در حال استقرار است به این اطلاق عمل می کنند.

ما نحن فیه با مقیّد های لبّی متّصل فرق می کند که نمی دانیم چگونه خطاب را تقیید می زنند؛

**مثل مطلبی که محقق همدانی راجع به کفر منکر ضروری فرموده اند که:**

روایت می گوید: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَرْتَكِبُ الْكَبِيرَةَ فَيَمُوتُ هَلْ يُخْرِجُهُ ذَلِكَ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ إِنْ عُذِّبَ كَانَ عَذَابُهُ كَعَذَابِ الْمُشْرِكِينَ أَمْ لَهُ مُدَّةٌ وَ انْقِطَاعٌ فَقَالَ مَنِ ارْتَكَبَ كَبِيرَةً مِنَ الْكَبَائِرِ فَزَعَمَ أَنَّهَا حَلَالٌ أَخْرَجَهُ ذَلِكَ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ عُذِّبَ أَشَدَّ الْعَذَابِ وَ إِنْ كَانَ مُعْتَرِفاً أَنَّهُ ذَنْبٌ «6» وَ مَاتَ عَلَيْهَا أَخْرَجَهُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ لَمْ يُخْرِجْهُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ كَانَ عَذَابُهُ أَهْوَنَ مِنْ عَذَابِ الْأَوَّلِ.[[8]](#footnote-8)

**محقق همدانی فرموده اند**: اطلاق این روایت یقیناً مراد نیست زیرا گاهی شخص، جاهل مقصّر است و فکر می کند غیبت کسی جایز است ولی در واقع جایز نباشد که در مورد او «ارتکب کبیرة من الکبائر فزعم أنّها حلال» صدق می کند ولی نمی توان گفت که این شخص از اسلام خارج شده است، لذا باید این روایت قید زده شود حالی نمی دانیم این قید چیست؟؛ این گونه قید بزنیم «و کان تلک الکبیره من ضروریات الأسلام» تا موافق با نظر مشهور شود یا این گونه قید بزنیم که «من ارتکب کبیرة من الکبائر فزعم أنّها حلال و هو عالم بأنّه حرام» که طبق این قید، انکار گناه و حلال دانستن آن به انکار توحید و رسالت بر می گردد. و نمی دانیم خطاب چه قیدی خورده است لذا خطاب مجمل می شود.

**در اینجا ما کلام محقق همدانی را قبول کردیم** زیرا در اینجا ارتکاز متشرعه مقیّد لبی متصل بود و نمی شود هر کسی که مرتکب کبیره می شود بگوییم از اسلام خارج است. و وقتی نسبت به قید لبّی متصل شک کنیم باعث می شود تا خطاب مجمل شود.

**و لکن در محل بحث**، نافله در حال مشی مقیّد لبی متصل دارد و قدر متیقّن از آن نافله در حال مشی است و نافله در حال استقرار داخل در عموم باقی می ماند و فرقی ندارد که اطلاق نفی جنس یا نفر فرد نکره باشد و چه نافله در حال استقرار و در حال مشی دو فرد از نافله باشند یا یک فرد از نافله با دو حالت باشند.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص401، أبواب صلاة الجماعة، باب54، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/401/%DB%8C%D8%AC%D8%B9%D9%84%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص403، أبواب صلاة الجماعة، باب54، ح10، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/403/%DB%8C%D8%AE%D8%AA%D8%A7%D8%B1) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص130، أبواب صلاة الجنازة، باب35، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/130/%D9%85%D9%86%DA%A9%D8%A8%D9%87) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص111، أبواب صلاة الجنازة، باب21، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/111/%D9%84%DB%8C%D8%B3%D8%AA) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص108، أبواب صلاة الجنازة، باب20، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/108/%D8%A7%D9%84%D8%AE%D8%B4%D9%88%D8%B9) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص7، أبواب اعداد الفرائض، باب1، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/7/%D8%A7%D9%88%D8%AC%D9%87) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص312، أبواب القبلة، باب9، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/312/%D8%BA%DB%8C%D8%B1%20%D8%A7%D9%84%D9%88%D9%82%D8%AA) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج1، ص33، أبواب مقدمة العبادات، باب2، ح10، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/1/33/%D8%A7%D9%84%DA%A9%D8%A8%D8%A7%D8%A6%D8%B1) [↑](#footnote-ref-8)